۱۹۰

سلسله درسهای عرفانی

هُوَ
۱۲۱

گزیده‌هایی از بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجذوب علیشاه)

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحیم.

این ایّام اخیر گرچه ظاهراً برای ما آرامشی برقرار بود و مزاحمت‌هایی نبود؛ حتّی آن برادران عزیزی که جهل و تعصّب وادارشان کرده بود به اینکه حسینیه‌ی قم را، «حسینیه به نام حسین!» را که ما جرأت می‌کنیم گاهی با تیمّن نامش را ببریم آنجا را هم خراب کردند ولی متوجّه شدند و تقریباً دارد حالت برادریِ اوّلیه، شاید کم‌کم برقرار بشود و یک مقدار هم شده، ان‌شاءالله. ولی مع‌ذلک آن شعر سعدی که می‌گوید: «سعدی به روزگاران مهری نشسته بر دل» یا بگوییم:

سعدی به روزگاران بغضی نشسته بر دل بیرون نمی‌توان کرد اِلّا به روزگاران

روزگارهایی باید بگردد، بچرخد.

ان‌شاءالله خوب می‌شود. برای اینکه ایران و به‌خصوص خراسان، خراسانِ ما خراسانی‌ها، زمین عرفان و تصوّف بوده و بسیاری قیام‌های ضدّ خلفا، خلفای اموی و بعداً عباسی از خراسان سرچشمه گرفته. خراسان اینطور بوده.

من خودم تهرانی نیستم از آنوقتی هم که الزاماً در تهران هستم چون الزامی است، خودم نیامده بودم، خصوصیّت تهران را نمی‌دانستم. همه‌ی جاهای دیدنی‌اش را ندیده بودم. گفته بودم هر روز یک جایی برویم. یک روز هم رفتیم پارک که زحمت کشیده‌اند و واقعاً جای خوبی درست کردند. پارکی که فقط گل‌های لاله بود، انواع و اقسامش با رنگ‌های مختلف. همینطور با خودِ ویلچر رفتیم و گشتی زدیم و برگشتیم.

بعد مطالب یک سایتی را نشانم دادند، در خود سایت که ننوشته بود مال کیست ولی این را که نشانم دادند، تعجّب کردم. وقتی نشانم دادند گفتند این مال فلانی است. بعد یکی دیگری گفت که نخیر، از همان روزی که شما رفتید در پارک و این عکس را گرفتند، همان روز نشان دادند که معلوم شد چطور شده اینطوری...! آنوقت زیرش نوشته بودند که کاخ با عظمت قطب سیاسی درویشان!

قطب سیاسی!؟ مثل اینکه درویشان یک قطب دیگری دارند؟ نه! درویش‌ها می‌گویند: لَیسَ فی الدّارِ غَیرَهُ دَیّار؛ جز خداوند و جز پیغمبر و مولیٰ علی و مأمورینش هیچ جنبنده‌ای در زمین برای ما ارزش ندارد. البتّه دیدن گل و لاله‌ها و زحماتی که دیگران برای آسایش مردم کشیده‌اند، همین نگه‌داری این گل‌ها و این باغداری خیلی زحمت دارد. خیلی از اینها مراقبت کرده‌اند واقعاً این کسانی که زحمت می‌کشند و انجام می‌دهند اگر با حسن نیّت باشد و با فکر اینکه دارند امر خدا را اجرا می‌کنند ثواب بزرگی دارند، خداوند فرموده است نسبت به همه‌ی برادرانتان به‌خصوص برادران دینی‌تان مهربانی و محبّت کنید. «إِدخَالُ السُّرُورِ فِی قَلبِ المُؤمِنِ» ثواب بزرگی دارد. شادی و خوشی در دل هر مؤمنی که کارتان را می‌بیند، وارد کنید، این خیلی خوب است. البتّه وقتی که کسی این کار را انجام بدهد، جامعه هم موظّف می‌شود که زندگی او را تأمین کند. آنوقت این را به این صورت درست می‌دانند که یک

عدّه‌ای در استخدام هستند که این گل و گیاه و نباتات را پرورش بدهند. این کار خوبی است.

دیدن و رفتن ما هم به قصد اینکه اگر آن نشاطی که در ما ایجاد می‌شود بفهمیم، آن نشاط حرکتی است از این عالم به‌سوی خداوند یعنی در همان حالی که او را می‌بینیم بدون اینکه ذکرش بکنیم، در دلمان می‌گوییم: خداوند این زحمت‌کشی‌ها را مأجور بدارد. بنابراین رفتن و دیدنش هم خوب است ولو چنین عکس‌هایی منتشر بشود. شما که می‌دانید کاخ قطب سیاسی‌تان کیست، کجاست؟ قطب سیاسی یعنی چه؟

هنوز آن بارقه‌های قبلیِ فکری در اذهان هست که موجب آزار و اذیّت فقرا و به خیال خودشان موجب فضل است.

من به خود نآمدم اینجا که به خود باز روم آنکه آورد مرا، باز بَرد در وطنم

آن خداوندی که این وضع را مقرّر کرده که آورد مرا باز بَرد در وطنم. از اینها هیچ نگرانی نداشته باشید؛ بلکه بطور مجموع در این مورد دو نکته هست: یکی که امام فرمود: الحَمْدُلله الَّذی جَعَلَ اَعْدائنا مِنَ الْحُمَقاء، شکر خدا را که دشمنان ما را نادان آفرید. نه اینکه با نادانی بیایند یعنی نیامدند دنبال علم. یکی دیگر اینکه می‌گوید: شکر خدا را که هر چه دشمنان من انجام می‌دهند به نفعِ من تمام می‌شود. از هیچکس نمی‌ترسیم چون:

نیست بر لوح دلم جز الف قامت یار چه کنم حرف دگر یاد نداد استادم

خداوند هم در جایی فرموده است، این دورانی را که ما اسمش را دوران حیات گذاشتیم، دورانی است از یک سلسله کارهای قدیم یعنی همانطوری که شما در زندگیِ امروزتان دورانی داشتید که بچّه‌ی کوچک شیرخوار و بعد بچّه‌ی کوچکی بودید، آن دوران تمام شد. آن پستانک را از دهان برداشتید گذاشتید توی طاقچه. آن روروئک را گذاشتید کنار، با قدِ افراشته راه افتادید. بعد امیدواریم که رو به آن دری که می‌رویم، در باز بشود و اشاره کنند که بیایید تو! بفرمایید! به گوشمان بشنویم: ادْخُلُوها بِسَلامٍ آمِنینَ(سوره حجر، آیه ۴۵) و این همان دوران است. در همین دوران ما باید آماده بشویم برای اینکه ان‌شاءالله آن درِ رحمت را باز بکنند، خودش ما را لایق قرار بدهد. من چیستم؟ هیچی. خودش به من لیاقت بدهد و بعد از لیاقت دادنِ خودش، شایستگی آن لیاقت را به ما بدهد. ان‌شاءالله. (برگرفته از گفتارهای عرفانی صبح پنج‌شنبه، تاریخ ۱۳۹۵/۲/۹)

*****

درک عظمت و صفات الهی برای ما مقدور نیست ولی خداوند مجال داده و خودش بعضی حالات و صفات را فرموده و به ما اجازه داده که در موردش بحث کنیم. از جمله صفت «عدل» است. اینکه می‌گوییم عادل، اطلاق این لغت بر انسان‌ها جایز است برای اینکه ما خودمان می‌توانیم درک کنیم و این خیلی رایج است که حتّی در زبان‌های ادبی، در زبان‌های مذهبی مثل قرآن بیان شده. البتّه نه اینکه خداوند عادل است، خداوند خود عدل است. عادل صفت ما انسان‌ها می‌تواند باشد ولی در مورد عدل، هر چه خداوند بکند عدل است. هر چه آن خسرو کند شیرین بود.

خداوند در مورد مدیریت جهان، بعد از خلقت (خطاب به مخلوقات) فرمود که آیا خودتان به میل خودتان تسلیم هستید، تسبیح می‌گویید یا شما را مجبور کنم؟ همه گفتند: نه، ما می‌دانیم که

خالق ما و خالق جهان تو هستی. در اینجا اوّلین چیزی که هست، همین حرفی است که بگوید عادل است، این را مثال بزند، بگوید پس چرا الزام کرد؟

درست است که مخلوق را الزام کرد ولی در واقع می‌خواست مخلوق را امتحان کند و ببیند که خلقتش کامل است یا نقصی دارد چون فرمود: در خلقتِ هر موجودی آنچه که لازم است به او می‌دهیم: وَ آتاکُمْ مِنْ کُلِّ ما سَأَلْتُمُوهُ (سوره ابراهیم، آیه ۳۴).

خداوند غیر از این کره‌ی زمین و این ارقام بشر، موجودات بسیاری خلق کرده است. تمام این موجودات باید زندگی کنند و در مدّتی که خداوند مقرّر کرده است، به حیات خودشان ادامه بدهند. چه بسا حیاتِ هر کدام از اینها با حیات دیگری مقتضی نیست. وقتی هر چه در اختیار اینها هست، از جانب خداوند است، بنابراین آمدن و رفتنشان هیچکدام به خودشان ربطی ندارد. البتّه در اختیارشان گذاشتند. در مورد بشر، خداوند یک جنبه‌ی اختیار به او داده، گوشه‌ای از فضل خود به او نشان داده، می‌فرماید: وَ نَفَخْتُ فیهِ مِنْ رُوحی (سوره حجر، آیه ۲۹/ سوره ص، آیه ۷۲) یعنی از روح خودم، گوشه‌ای به او دادم. مِنْ رُوحی، از روح خودم.

در اینجا نباید اینقدر این اختیار را توسعه بدهیم و فکر کنیم که انسان در همه چیز اختیار دارد و بعد که می‌بینیم خداوند فرموده است همه‌ی اینها را که آفریدیم، بر آدم عرضه کردیم یعنی آدم را بعد از همه‌ی اینها آفرید. این دلیلِ آن نیست، معنیِ آن نیست که ما بر همه مسلّط شدیم و برتر از همه هستیم. امّا دلیلِ این است که این فضیلت را داریم که عظمت و وجود خدا را درک کنیم. منتها نباید و نمی‌توان عظمت و وجود خداوند را منحصر به خود کنیم به این تصوّر که تمام جهان بر محور زندگیِ ما می‌گردد که آنچه را ما عدل ندانیم بگوییم خداوند عادل نیست، نه! آنچه خداوند آفریده برای خلقت او دلایلی هست و مهمترین دلیل، اراده‌ی الهی است. بنابراین باید باشد و آنچه هم خداوند برای بشر آفریده، برای حیوانات دیگر لازم است. به این جهت نمی‌شود گفت فلان عمل با عدل مخالف است. آنچه از خداوند ناشی می‌شود، عدل است نه اینکه خداوند مجبور است که آنچه اراده می‌کند مطابق میل و تصمیم ما باشد، آنچه خداوند انجام می‌دهد عدل است.

هر چه آن خسرو کند شیرین بود. بنابراین عدل خارج از قدرت خدا نیست. عدل آن چیزی است که خداوند انجام بدهد و اراده کند که انجام بشود. ما نباید عدل را به میل و معنای خود تعبیر کنیم. ان‌شاءالله خداوند درک ما را زیادتر کند که این مسائل را بفهمیم، ان‌شاءالله. (برگرفته از گفتارهای عرفانی صبح جمعه، تاریخ ۱۳۹۵/۲/۱۰، جلسه برادران ایمانی)

*****

روزهای شنبه به یادبود و خاطره‌ی حضرت رضاعلیشاه رحمه‌الله‌علیه اینجا [منزل حضرت رضاعلیشاه] می‌آمدیم؛ در و دیوار اینجا در نظر من آشنا بود یعنی جزئی از روح خودم بود. شما هم همه همینطور ولی یک خاطره‌ای بود از خودِ ایشان که ما به‌خاطر خاطره‌ی ایشان اینجا هستیم، خودِ ایشان که در دل‌های ما جا دارند. به‌خصوص هر کسی با آن بزرگی که با او بیعت کردند و زمان او مشرّف شدند، یک نوع انس و علاقه‌ای پیدا می‌کند که این انس و علاقه هیچ مانع علاقه‌های دیگر هم نیست؛ بلکه تقویت می‌شود. مثلاً من خودم زمان حضرت صالح‌علیشاه و به‌دست خودشان مشرّف شدم، در آن ایّام من و آقای رضاعلیشاه برادر بودیم امّا بعد از فوت ایشان مولیٰ و بنده حساب شدیم ولی آن انس و

علاقه‌ی برادری هم بود (رویش گرد و خاکی نگرفت، اگر هم می‌گرفت با یک فوتی تمام می‌شد) آن انس و علاقه همیشه هست. هیچ‌وقت نه کم می‌شود و نه به‌طریقی از بین می‌رود امّا مورد علاقه تغییر می‌کند. مورد علاقه اگر این منزل باشد، تا وقتی این منزل هست و ما هم هستیم، آن انس و علاقه هست ولی این انس و علاقه ارادی است. یک قسمت قهری است یعنی به‌هرجهت هر وقت ما ببینیم یادمان می‌آید. کما اینکه ما یک‌وقتی حدود شصت سال پیش منزلی داشتیم در کوچه‌ی شترداران در میدان شاه ولی الان هم هر وقت از آن کوچه رد می‌شوم نگاه می‌کنم خوشم می‌آید، دلم می‌خواهد ببینم. این منزل همانطور است، برای ما همین حالت را دارد. هر وقت از این کوچه رد می‌شویم و منزل را می‌بینیم، کاری داریم از اینجا رد می‌شویم، یک نگاهی می‌کنیم مثل اینکه نیرو و قوّت می‌گیریم امّا خودِ منزل تمام‌شدنی است یعنی هم کم می‌شود، هم زیاد می‌شود، هم عوض می‌شود، همه‌ی اینها غیر از آن انس و علاقه است.

به‌همین‌حیث ما هر لحظه باید یک تغییراتی برای این منزل و یا هر منزل دیگری داشته باشیم. آنوقت به‌همین‌جهت باید مثل اینکه منزل را تغییر بدهند، قبلاً باید مدّتی تعطیل باشد، سر و صورتش را نگاهی کنند تا آماده شود برای زندگی مجدّد. این است که از شنبه‌ی آینده، اینجا توفیق حضور نخواهیم داشت ولی از همین کوچه که رد می‌شویم، ما که ارزش اینجا را به ارزش خودِ آقای رضاعلیشاه می‌شناسیم یک السّلام‌علیک می‌گوییم. السّلام‌علیک به این ارزش می‌دهیم. برای اینکه وقتی مثلاً پای کسی را می‌بوسیم، دست ما اینطوری است، به این جهت که ما را تقویت کنند تا این علاقه‌ی ما تبدیل به علاقه‌مندی به خودشان شده و آن علاقه تقویت شود (آن علاقه به شخص ایشان و به آثار ایشان که کتاب‌های فراوانی نوشته‌اند و همیشه در مجالس می‌خوانیم) این است که از هفته‌ی آینده دیگر آقایان و خانم‌ها اینجا تشریف نیاورند. حالا البتّه فعلاً تعطیل خواهد ماند تا جای دیگری قرار بگذاریم. ان‌شاءالله باز همدیگر را ببینیم. این است که در این خداحافظی یادی از روح ایشان کنیم و حمدی برای ایشان بخوانیم. (برگرفته از گفتارهای عرفانی صبح شنبه، تاریخ ۱۳۹۵/۲/۱۸، جلسه برادران ایمانی)

بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجذوب علیشاه) شامل: جزوات گفتارهای عرفانی/ شرح رساله شریفه پند صالح/ شرح فرمایشات حضرت سجّاد علیه‌السلام (شرح رساله حقوق)/ شرح فرمایشات حضرت صادق علیه‌السلام (تفسیر مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة)/ جزوات موضوعی (درباره‌ی استخاره، خانواده، حقوق مالی و عشریه، دعا، خواب و رویا، بیماری و شفا، روح، شیطان، آداب حضور در مجلس فقری، امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر، مصافحه، عشق)/ جزوات رفع شبهات با گزیده‌هایی از بیانات/ جزوات پرسش و پاسخ با گزیده‌هایی از بیانات/ مکاتیب عرفانی (مجموعه‌ی پاسخ به نامه‌ها)/ مجموعه دستورالعمل‌ها و بیانیه‌ها/ شرح و تفسیر برخی از آیات قرآن کریم/ گفت‌وگوهای عرفانی (مجموعه‌ی مصاحبه‌ها) منتشر شده است.
جهت سفارش و دریافت جزوات از طریق شماره تلفن ۰۹۱۲ ۵۸۳ ۸۲۴۲ و یا سایت WWW.JOZVEH121.COM اقدام فرمایید. همچنین برای دریافت گزیده‌هایی از بیانات می‌توانید به کانال jozveh121@ در برنامه‌ی تلگرام بپیوندید.